

ه‌کار و باتجربه نمی‌گذارم

نویسنده همراه، قدرت ویراستار داستانی را ندارد

دارد و حتی ممکن است او کسی باشد که قرارداد را با مدیر نشر می‌بندد. ویراستار داستان می‌تواند تعیین کند چند درصد از پرداختی‌ها را به مدیر نشر بدهد ولی دبیر داستان نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. در ایران ویراستاران داستان قدرت کمتری نسبت به دیگر نقاط دنیا دارند. ویراستار داستان در اتفاقات پس از چاپ کتاب هم نقش دارد؛ این‌که برای کتاب چه زمانی و در کجا قرار است جشن امضا بگیریم؟ جلسات رونمایی به چه صورت باشد و عکاس‌ها چه کسانی باشند؟ ویراستار قدرت زیادی دارد.

۴. فرق دبیر داستان با ویراستار داستانی چیست؟

دبیر داستانی یا رزیاب یک داستان را می‌خواند و نکات مثبت و منفی آن را بیان می‌کند. سؤال اینجاست که این نکات را بر چه اساسی مطرح می‌کند؟ سیاست‌های نشر؟ فروش و بازار؟ سلیقه شخصی؟ ویراستارهای داستانی تمام این مباحث را پوشش می‌دهند. دبیر داستان ممکن است وارد جرئیات نشود ولی ویراستار با جزئیات بیشتری به کار نگاه می‌کند. برای استخدام دبیر داستان مدیر نشر یک قرارداد آماده می‌کند و با او می‌بندد ولی ویراستار خودش در تنظیم قرارداد نقش

۴. ایرانی به معنای رسمی یا منظورات ایرانی حزب‌اللهی و انقلابی است؟

برای من به عنوان یک حزب‌اللهی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت در اولویت است ولی منظورم الگوی اسلامی خیال‌یافته یا ماله‌کشانه نیست. الگوی اسلامی دلسوز و منتقد خط قرمزها را رد نمی‌کند و برای مخاطب مقید دینی ارزش قائل است و معتقد است او هم به اندازه دیگر مخاطبین حق دارد ادبیات ژانر برایش تولید شود.

۴. کسی را مانند خود تقویت کرده‌ای تا جای تو را بگیرد یا در نشرهای دیگر برای گسترش این شغل کار کند؟

تا به حال کسی نیامده این درخواست را مطرح کند و برای انتشاراتش چنین شخصی نیاز داشته باشد. من فکر می‌کنم این نقطه قوت است. در دراز مدت باید تربیت نیرو بکنیم.

خوشحالم که در عرصه‌های مختلف اعم از مجسمه‌سازی، بازی‌سازی، کارگری، کشاورزی، علاقه به تاریخ و سینما، فیلم‌سازی و خبرگزاری تجربه دارم و این تجارب به من کمک زیادی کرده و از تحصیلاتم هم در مسیر ویراستاری استفاده کردم. وقتی کار سید میثم موسویان را می‌خواندم واقعا خوشحال بودم که لیسانس و فوق لیسانس فلسفه دارم چون اگر تحصیلات دیگری داشتم احتمالا نمی‌توانستم متوجه مطالب کتاب شوم. این کار فانتزی سیاسی در حوزه ادبیات ژانر

است و من خیلی آن را دستکاری کردم. میان یک نویسنده تازه کار و آقای موسویان با تجربه تفاوتی قائل نمی‌شوم.

۴. این مسأله از نگاه نویسنده یک دست‌انداز است. چه عاملی باعث می‌شود نویسنده با این دست‌انداز کتابش را در نشر شما نگه دارد؟

سودی که بابت اعتبار کتاب خوب کسب می‌کند. جنبه‌های فرمی اثر مهم است و باید در نظر گرفته شود و این مسأله باعث فروش و اعتبار بیشتر کتاب می‌شود. من حدوداً ۱۵ کتاب ویراستاری کردم که ۵ تای آنها یا جایزه گرفته‌اند یا نامزد جایزه شده‌اند.

۴. به نظر من داستان‌هایی که منتشر می‌شود در قصه‌گویی و روایت ماجرا ضعف زیادی دارد و فکر می‌کنم یکی از دلایلی که کتاب‌های ترجمه شده طرفداران بیشتری دارد قوت در روایت است. چقدر به این موضوع توجه می‌کنی؟

من هرکس را با توجه به شرایطش می‌سنجم؛ مثلاً وقتی می‌بینم یک نفر روی موضوعی حساس است یا ادعا می‌کند که من می‌توانم این کار را بکنم، من هم مناسب با توانایی‌های او همان قدر ریزبین می‌شوم ولی به دلیل توانایی‌های او استانداردهایم را پایین نمی‌آورم. من خودم قصه دوست هستم و همیشه دنبال قصه هستم. وقتی وارد کتابستان شدم یکی از چیزهایی که مطرح کردم این بود که ادبیات ژانر باید چند جلدی باشد.



برای خواندن متن کامل گزارش کشورگردا استن کنید

می‌خواهیم راه را به نویسندگان نشان بدهیم

کلاس‌های داستان نویسی، فقط مطالب نظری را بیان می‌کنند. فرصتی فراهم نیست تا نویسنده به فکر انتشار جدی و مخاطب هم باشد. وقتی به فکر مخاطب نباشی یعنی در خلای نویسی. در کنار این ما می‌خواهیم به نویسندگان راه را نشان بدهیم که چگونه دغدغه‌های دینی و مذهبی خودشان را هم در کار بیاورند و از نظر محتوایی خشتی نباشند.

۴. شما در مدرسه داستان نشر جمال دقیقاً چه می‌کنید؟

ما به صورت متناوب، دوره‌های مختلف داستان را برای نویسندگان برگزار می‌کنیم و به آنها آموزش می‌دهیم. خروجی این آموزش هم در نهایت به طرح رمان می‌رسد و سرانجام پس از تأیید و ثبت قرارداد، نویسنده اثرش را با حمایت نشر می‌نویسد و به انتشار می‌رسد.

۴. درباره «مدرسه داستان جمال» هم برایمان می‌گویید...

ما در نشر جمال، دغدغه مهم داریم. اول این‌که می‌خواهیم صدای تازه ادبیات باشیم و دوست داریم استعدادها را جدید را کشف و معرفی کنیم. دوم این‌که سراغ فضاهایی رفته‌ایم که کمتر نشری در ایران، در آن حوزه ورود کرده است. مثل حوزه ادبیات ژانر، علمی تخیلی، فانتزی، امنیت، حوزه رمان تاریخی، حوزه بی‌نمانویی.

۴. یعنی تا حالا ناشری سراغ این حوزه‌ها نرفته است؟

رفته‌اند؛ کم و بیش برخی ناشران، آثاری هم در این زمینه تولید کرده‌اند اما ما در نشر جمال می‌خواهیم ساختارمند جلو برویم و فضایی ایجاد کنیم که نویسندگان آموزش‌های جدی ببینند و منجر به خلق اثر بشود. متأسفانه بسیاری از



عکس‌ها: فاطمه سادات میراحمدی



امکان ندارد که

سلیقه اصلاً دخیل

نباشد ولی حتماً

باید پشت این

سلیقه استدلال

وجود داشته

باشد چون من

باید نویسنده را

قانع کنم. مثلاً

وقتی من در اصول

شکسته نویسی

قوانینی می‌آورم

نمی‌توانم بگویم

این‌ها باب میل من

است چون در این

صورت نویسنده

هم نظرات خودش

را دارد که باب میل

اوست

و به او سفارش اثر می‌دهد. این سفارش اثر به معنای پول دادن صرف نیست؛ مثلاً من نویسنده‌ای پیدا می‌کنم که یک استعداد نوظهور یا نویسنده‌ای با تجربه است و من به او پیشنهاد می‌دهم در مورد فلان موضوع یک اثر بنویسد.

۴. یعنی سوز به او می‌دهید؟

بله کم‌این‌که پیشنهاد «بذر خون» محمد فائزی فرد را من دادم؛ یک روز تلفنی باهم صحبت می‌کردیم و من از او پرسیدم: «دوست داری درباره این موضوع بنویسی؟» و او پاسخ داد که بهش فکر می‌کنم و بعد کتاب بذر خون متولد شد. «نشان حُسن» هم در همین فضا بود که پیشنهاد آن را به نویسنده دادم.

۴. شما با خود داستان چطور مواجه می‌شوید؟

ما طرح داستان را می‌خوانیم و بعد در صورت لزوم متن اصلی را هم می‌خوانیم و عیب و ایرادهای ساختاری اعم از شخصیت‌پردازی، گفت‌وگو نویسی، خط داستانی و... را برطرف می‌کنیم و ریز به ریز به نویسنده می‌گوییم. من تلفنی یا مکتوب به نویسنده پیشنهادها می‌دهم. اگر نویسنده با پیشنهادها می‌تواند موافق باشد این نظرات اعمال می‌شود و در غیر این صورت باهم به گفت‌وگو می‌پردازیم و به یک نظر مشترک می‌رسیم. گاهی اوقات نویسنده نیز نمی‌خواهد کارش ویرایش شود و من نمی‌توانم او را مجبور به این کار کنم و می‌رود و در فرصتی دیگر با ما همکاری می‌کند. اگر یک ایده‌ای را ما به نویسنده گفته باشیم یا خودش ایده‌ای را مطرح کرده باشد، من فصل به فصل کتاب را می‌خوانم و نظراتم را می‌گویم و باهم کار را جلو می‌بریم.

۴. معیارهای شما نوشته شده و مشخص است یا بخشی از آن

سلیقه است؟

امکان ندارد سلیقه اصلاً دخیل نباشد ولی حتماً باید پشت این سلیقه استدلال وجود داشته باشد چون من باید نویسنده را قانع کنم. مثلاً وقتی من در اصول شکسته نویسی قوانینی می‌آورم نمی‌توانم بگویم این‌ها باب میل من است چون در این صورت نویسنده هم نظرات خودش را دارد که باب میل اوست. من می‌گویم بر اساس این دیدگاه‌های روان‌شناختی این نظم درست است و نویسنده هم استدلال‌های خودش را می‌آورد و اگر استدلالش ضعیف‌تر از دلایل من باشد، نظر من را می‌پذیرد.

۴. پس این حدود و متر و معیار تا حدی مشخص است؟

بله. ما می‌توانیم متر و معیاری برای خودمان بگذاریم؛ مثلاً من به عنوان یک ناشر حزب‌اللهی و انقلابی در ادبیات ژانر متر و معیار خودم را دارم که بقیه ناشرانی که در همین حوزه کار می‌کنند ولی انقلابی نیستند این متر و معیار ما را ندارند. مثالی برایت می‌زنم؛ برای من در ادبیات ژانر ایرانی ذهن و زبان ایرانی خیلی اهمیت دارد. فرقی نمی‌کند اثر جنایی، فانتزی یا علمی تخیلی باشد. ذهن و زبان ایرانی بدین معناست که من دنیا را چطور می‌بینم و آن را چطور بیان می‌کنم.

